

The Conflict between State Immunity and Human Rights: Towards an International Compensation Mechanism

*Mahdi Firoozabadian**
*Faramarz Yadegarian***

DOI: 10.22096/hr.2024.2040625.1686

Received Date: 09/09/2024 - Accepted Date: 09/12/2024

Abstract

This paper discusses tension between the principle of state immunity and accountability in cases of severe violations of human rights. Therefore, the central research question would be: within what framework, if at all, does a balance between upholding the principle of state immunity and accounting for gross human rights violations strike a middle ground between state sovereignty and protection of victim's rights? The main hypothesis here is that an independent international compensation mechanism for victims of gross violations of human rights, rather than what exists under national courts, should be a solution to this problem. An analysis of the judicial practices of Italy, Greece, Germany, England, New Zealand, the Netherlands, Russia, Canada, and the United States is hereby made by using the analytic-descriptive method. The results reflect a wide range of policies, from the quite liberal Italian position to the very conservative English attitude. This paper concludes that an international compensation scheme would save the legal doctrine of state immunity while allowing justice to be accessible to victims and, further, helpful in providing a solution to this legal problem.

Keywords: Gross Human Rights Violations; International Compensation Mechanism; National Courts; State Immunity; Human Rights.

* Assistant Professor Department of Law, ToH. C., Islamic Azad University, Torbate Heydarieh, Iran. (Corresponding Author)

Email: mahdi.firoozabadian@iau.ac.ir

** M.A. In International Law, Department of International Law, SR. C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Email: faramarz.yadegarian@srbiau.ac.ir



تعارض مصونیت دولت و حقوق بشر: به سوی سازوکار بین‌المللی جبران خسارت

مهدی فیروزآبادیان*

فرامرز یادگاریان**

DOI: 10.22096/hr.2024.2040625.1686

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۹]

چکیده

این پژوهش تعارض میان اصل مصونیت دولت و ضرورت پاسخگویی در موارد نقض فاحش حقوق بشر را بررسی می‌کند. پرسش اصلی تحقیق این است که چگونه می‌توان بین حفظ اصل مصونیت دولت‌ها و ضرورت پاسخگویی در موارد نقض فاحش حقوق بشر توازن برقرار کرد، به گونه‌ای که هم حاکمیت دولت‌ها حفظ و هم حقوق قربانیان تأمین شود. فرضیه اصلی پژوهش بر این اساس است که ایجاد سازوکار بین‌المللی جبران خسارت برای قربانیان نقض فاحش حقوق بشر، که مستقل از دادگاه‌های ملی عمل کند، می‌تواند راه‌حلی برای این مورد باشد. با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی، روبه قضای کشورهای ایتالیا، یونان، آلمان، انگلستان، لهستان، نیوزلند، هلند، روسیه، کانادا و ایالات متحده آمریکا مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که رویکردهای متفاوتی در مواجهه با این مسئله در کشورهای مختلف وجود دارد؛ از رویکرد پیشرو ایتالیا تا رویکرد محافظه‌کارانه انگلستان. این تحقیق نتیجه می‌گیرد که ایجاد سازوکار بین‌المللی جبران خسارت می‌تواند ضمن حفظ اصل مصونیت دولت‌ها امکان دسترسی به عدالت را برای قربانیان فراهم و به حل این مسئله حقوقی کمک کند.

واژگان کلیدی: حقوق بشر؛ دادگاه‌های ملی؛ سازوکار بین‌المللی جبران خسارت؛ مصونیت دولت؛ نقض فاحش حقوق بشر.

* استادیار، گروه حقوق، واحد تربیت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربیت حیدریه، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: mahdi.firoozabadian@iau.ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته حقوق بین‌الملل، گروه حقوق بین‌الملل، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران.

Email: faramarz.yadegarian@srbiau.ac.ir



۱. مقدمه

مصونیت دولت‌ها یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل است که ریشه در برابری حاکمیت دولت‌ها دارد. این اصل بیان می‌کند که یک دولت نمی‌تواند در دادگاه‌های دولت دیگر محاکمه شود، مگر در موارد استثنایی که خود به آن رضایت داده باشد.^۱ با این حال در دهه‌های گذشته، این اصل با چالش‌های جدی روبه‌رو شده است؛ به‌ویژه در مواردی که نقض فاحش حقوق بشر مطرح می‌شود.

تعارض میان اصل مصونیت دولت و حمایت از حقوق بشر، از پیچیده‌ترین مسائل حقوق بین‌الملل معاصر است. از یک سو، مصونیت دولت‌ها برای حفظ نظم بین‌المللی و جلوگیری از مداخله در امور داخلی کشورها ضروری است. از سوی دیگر، این اصل می‌تواند مانعی برای دسترسی قربانیان نقض حقوق بشر به عدالت باشد.

رویه قضایی کشورها در مواجهه با این چالش متفاوت بوده است. برخی کشورها مانند ایتالیا با تفسیر پویا از حقوق بین‌الملل، تلاش کرده‌اند تا در موارد نقض فاحش حقوق بشر، استثنایی بر اصل مصونیت قائل شوند.^۲ در مقابل، کشورهایی مانند انگلستان، هلند، لهستان و نیوزلند، رویکردی محافظه‌کارانه‌تر اتخاذ کرده و بر حفظ اصل مصونیت تأکید داشته‌اند. این تفاوت رویکردها چالش‌های جدی در زمینه یکپارچگی و قطعیت حقوقی ایجاد کرده است.

علاوه بر این، برخی کشورها مانند ایتالیا، کانادا و ایالات متحده با تصویب قوانین داخلی، کوشیده‌اند تا در موارد خاص، مانند حمایت از حقوق بشر، استثنائاتی بر مصونیت دولت‌ها قائل شوند. اگرچه این اقدامات با هدف حمایت از قربانیان صورت گرفته است، اما از منظر حقوق بین‌الملل با انتقادات جدی روبه‌رو شده است.

این مقاله به دنبال بررسی امکان ایجاد توازن بین حفظ اصل مصونیت دولت‌ها و ضرورت پاسخگویی در موارد نقض فاحش حقوق بشر است؛ با این فرضیه که ایجاد سازوکار بین‌المللی جبران خسارت، مستقل از دادگاه‌های ملی، می‌تواند راه‌حلی برای این چالش باشد. این سازوکار می‌تواند ضمن حفظ اصل مصونیت دولت‌ها امکان دسترسی به عدالت را برای

1. Daniel Franchini, "State Immunity And Third-Party Limits On The Jurisdiction Of Domestic Courts," *International and Comparative Law Quarterly* 72, no. 3 (2023): 821.

2. Riccardo Pavoni, "Simoncioni v. Germany," *American Journal of International Law* 109, no. 2 (April 2015): 400.

قربانیان فراهم کند.

این پژوهش نه تنها از منظر نظری، بلکه از جنبه عملی نیز اهمیت دارد. یافتن راه‌حلی برای این تعارض می‌تواند گامی مهم برای تقویت حاکمیت قانون در سطح بین‌المللی، حمایت مؤثر از حقوق بشر و در عین حال، حفظ ثبات در روابط بین‌المللی باشد. امید است نتایج این پژوهش بتواند به ارائه راهکاری عملی برای یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های حقوق بین‌الملل معاصر کمک کند.

روش پژوهش، تحلیلی-توصیفی است. در این روش، ابتدا به توصیف دقیق رویه قضایی کشورهای مختلف در زمینه تعارض میان مصونیت دولت و حقوق بشر پرداخته‌ایم؛ سپس با تحلیل این رویه‌ها به شناسایی الگوها، شباهت‌ها و تفاوت‌ها در رویکردهای مختلف پرداخته‌ایم و تلاش کرده‌ایم تا به درکی جامع از وضعیت کنونی این چالش حقوقی دست یابیم. این روش به ما امکان می‌دهد تا ضمن ارائه تصویری دقیق از وضعیت موجود به تحلیل عمیق‌تر مسئله و ارزیابی راهکارهای احتمالی از جمله ایجاد سازوکار بین‌المللی جبران خسارت، پردازیم.

۲. مبانی نظری و تحول مفهوم مصونیت دولت

مصونیت دولت یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل است که براساس آن، یک دولت نمی‌تواند در دادگاه‌های دولت دیگر محاکمه شود. این اصل ریشه در دو مفهوم اساسی دارد: اصل اول برابری حاکمیت دولت‌ها و اصل دوم عدم مداخله در امور داخلی کشورها است.^۳ مبنای فلسفی این اصل، احترام متقابل بین دولت‌ها و حفظ ثبات در روابط بین‌المللی است.

تاریخچه مفهوم مصونیت دولت نشان‌دهنده تحولی چشمگیر است. در ابتدا مصونیت به صورت مطلق اعمال می‌شد؛ اما با گسترش فعالیت‌های تجاری دولت‌ها در قرن بیستم، مفهوم مصونیت محدود یا مصونیت نسبی شکل گرفت. براساس این مفهوم، دولت‌ها در اعمال حاکمیتی (*acta jure imperii*) خود از مصونیت برخوردارند، اما در اعمال تصدی‌گری (*acta jure gestionis*) مشمول مصونیت نمی‌شوند.^۴

3. Disu Damilare, "Sovereign Immunity from Legal & Arbitral Proceedings and Execution against Assets of a Sovereign State: The Evolving Paradigm Shift," *Nigerian Journal of Arbitration* 16 (2021): 8.

4. Alhassan Salifu Bawah, "Restrictive Foreign Sovereign Immunity in the United Kingdom

مصونیت دولت به دو شکل اصلی وجود دارد: نخست مصونیت از صلاحیت قضایی سایر دولت‌ها و دوم، مصونیت از اجرای احکام صادر شده توسط محاکم دادگستری سایر دولت‌ها. مصونیت از صلاحیت قضایی مانع از طرح دعوا علیه یک دولت در دادگاه‌های دولت دیگر می‌شود در حالی که مصونیت از اجرای احکام مانع از توقیف اموال یک دولت برای اجرای حکم می‌گردد.^۵

استثنائات سنتی بر مصونیت دولت شامل اعمال تجاری دولت‌ها و دعاوی مربوط به اموال غیرمنقول است. با این حال در دهه‌های گذشته، چالش جدیدی در برابر مفهوم سنتی مصونیت دولت پدیدار شده است و آن هم تعارض بین مصونیت دولت و حمایت از حقوق بشر است. بنابراین، مفهوم بدیهی است که قواعد آمره (jus cogens) در این زمینه اهمیت ویژه‌ای یافته باشد. برخی استدلال می‌کنند که نقض قواعد آمره، مانند منع شکنجه یا نسل‌کشی، باید منجر به سلب مصونیت دولت شود. این دیدگاه بر این اساس است که قواعد آمره بر سایر قواعد حقوق بین‌الملل از جمله مصونیت دولت، برتری دارند.^۶

در سطح بین‌المللی، دو سند مهم در زمینه مصونیت دولت وجود دارد: نخست، کنوانسیون اروپایی مصونیت دولت‌ها (۱۹۷۲)^۷ و دوم، کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد مصونیت‌های قضایی دولت‌ها و اموال آنها (۲۰۰۴).^۸ این اسناد تلاش کرده‌اند تا قواعد مربوط به مصونیت دولت را تدوین و یکپارچه کنند، اما هنوز در مورد تعارض بین مصونیت و حقوق بشر راه حل قطعی ارائه نداده‌اند. در مواجهه با تعارض بین مصونیت دولت و حقوق بشر، سه رویکرد اصلی قابل شناسایی است:

- رویکرد سنتی که بر حفظ مصونیت مطلق تأکید دارد و معتقد است ایجاد هرگونه استثنا می‌تواند منجر به بی‌ثباتی در روابط بین‌المللی شود.^۹

(UK): A Welcome Development in International Commercial Transactions," *Beijing Law Review* 10 (2019): 170.

5. Ylli Dautaj, "Immunity from Suit for International Organizations: The Judiciary's New Que of Separating Lawsuit Sheep from Lawsuit Goats," *Indiana Journal of Global Legal Studies* 27, no. 2 (2020): 215.

6. Hu Ren and Zhaoxin Jin, "The Limitations and Exceptions to Immunity of States Officials from Foreign Criminal Jurisdiction: On ILC Draft Article 7," *Beijing Law Review* 12 (2021): 292.

7. European Convention on State Immunity (Basle, 16.V.1972).

8. United Nations Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property (2004).

9. Ernest K. Banks, *The State Immunity Controversy in International Law: Private Suits*

تعارض مصونیت دولت و حقوق بشر: به سوی ... / فیروزآبادیان و یادگاریان ۱۹۳

- رویکرد تعدیل‌شده که خواهان ایجاد استثناء برای موارد نقض فاحش حقوق بشر است. این رویکرد استدلال می‌کند که حمایت از حقوق بشر باید بر مصونیت دولت اولویت داشته باشد.^{۱۰}
- رویکرد میانه که به دنبال ایجاد سازوکار جایگزین برای جبران خسارت قربانیان است، بدون آنکه اصل مصونیت دولت را نقض کند.^{۱۱}

تعارض بین این رویکردها در رویه قضایی کشورهای مختلف نمایان است و چالش‌های جدی در زمینه یکپارچگی و قطعیت حقوقی ایجاد کرده است. یافتن راه‌حلی برای این تعارض، یکی از مهم‌ترین چالش‌های حقوق بین‌الملل معاصر است که نیازمند بررسی دقیق رویه‌های موجود و ارائه راهکارهای نوآورانه است.

۳. بررسی تطبیقی رویه داخلی کشورها در زمینه مصونیت دولت و حقوق بشر

در این بخش به بررسی دقیق رویه داخلی کشورهای منتخب در زمینه تعارض میان اصل مصونیت دولت و حمایت از حقوق بشر می‌پردازیم. این مطالعه تطبیقی شامل کشورهای ایتالیا، یونان، آلمان، ایالات متحده، انگلستان، لهستان، هلند، نیوزلند، روسیه و کانادا است. هدف از این بررسی، شناسایی روندها و الگوهای مختلف در مواجهه با این چالش حقوقی در سیستم‌های قضایی مختلف است.

با مطالعه قوانین داخلی، رویه‌های قضایی و پرونده‌های شاخص در هر کشور، می‌توانیم درک عمیق‌تری از چگونگی تفسیر و اجرای اصل مصونیت دولت در مواجهه با موارد نقض فاحش حقوق بشر به دست آوریم. این تحلیل نه تنها تفاوت‌ها و شباهت‌های رویکردهای مختلف را آشکار می‌کند، بلکه روند کلی تکامل این مفهوم در سطح جهانی را نیز نشان می‌دهد.

در این بررسی به‌طور خاص به رویکرد دادگاه‌های ملی در تفسیر اصل مصونیت دولت

Against Sovereign States in Domestic Courts, 2nd ed. (Berlin: Springer-Verlag GmbH, 2022): 63.

10. Riccardo Pavoni, "Simoncioni v. Germany," *American Journal of International Law* 109, no. 2 (April 2015): 400.

11. Stefan Kadelbach, "State Immunity, Individual Compensation for Victims of Human Rights Crimes, and Future Prospects", in *Remedies against Immunity?*, eds. Valentina Volpe, Anne Peters, and Stefano Battini (Springer, 2021): 155.

توجه خواهیم کرد. همچنین نحوه برخورد با تعارض میان مصونیت دولت و حقوق بنیادین بشر را مورد مطالعه قرار می‌دهیم. تأثیر قوانین داخلی و تعهدات بین‌المللی بر تصمیمات دادگاه‌ها نیز از جمله مواردی است که به دقت بررسی خواهد شد. افزون بر این، تحولات قانونی و قضایی در طول زمان و تأثیر تصمیمات دادگاه‌های ملی بر رویه بین‌المللی از دیگر موضوعات کانونی در این مطالعه تطبیقی خواهد بود.

این مطالعه تطبیقی به ما کمک خواهد کرد تا چالش‌های موجود در زمینه ایجاد توازن بین حفظ اصل مصونیت دولت‌ها و ضرورت پاسخگویی در موارد نقض فاحش حقوق بشر را بهتر درک کنیم. همچنین، این بررسی زمینه را برای ارزیابی فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر ضرورت ایجاد سازوکار بین‌المللی جبران خسارت فراهم می‌آورد.

در ادامه به بررسی جداگانه هر یک از این کشورها می‌پردازیم و پرونده‌های مهم و تأثیرگذار در هر کشور را تحلیل می‌کنیم. این بررسی جامع به ما امکان می‌دهد تصویری کلی از وضعیت کنونی تعارض میان مصونیت دولت و حقوق بشر در سطح جهانی به دست آوریم و راهکارهای احتمالی برای حل این چالش را ارزیابی کنیم.

۱-۳. ایتالیا

پرونده فرینی علیه آلمان^{۱۲} از مهم‌ترین پرونده‌های حقوقی در زمینه مصونیت دولت‌ها در برابر دادگاه‌های داخلی کشورهای دیگر است. این پرونده در سال ۱۹۹۸ توسط لوئیجی فرینی، شهروند ایتالیایی، علیه دولت آلمان در دادگاه آرتزو ایتالیا مطرح شد. فرینی که در سال ۱۹۴۴ توسط نیروهای نازی دستگیر و به آلمان منتقل شده بود، خواستار غرامت برای کار اجباری در دوران جنگ جهانی دوم بود.

مطابق اصل ۱۰ قانون اساسی ایتالیا به‌طور خودکار قواعد عرفی حقوق بین‌الملل را در نظام حقوقی داخلی وارد می‌کند. همچنین، ماده ۱۱ قانون شماره ۲۱۸ سال ۱۹۹۵ ایتالیا به فقدان صلاحیت دادگاه‌های داخلی در موارد مشمول مصونیت بین‌المللی اشاره می‌کند.^{۱۳} بنابراین، طبق دو اصل فوق از قانون اساسی ایتالیا به علت مصونیت دولت آلمان، پرونده فوق

12. Ferrini v. Germany.

13. Andrea Gattini, "The Dispute on Jurisdictional Immunities of the State before the ICJ: Is the Time Ripe for a Change of the Law?," *Leiden Journal of International Law* 24, no. 1 (2011): 199.

تعارض مصونیت دولت و حقوق بشر: به سوی ... / فیروزآبادیان و یادگاریان ۱۹۵

نباید در ایتالیا رسیدگی می‌شد.

با این حال روند رسیدگی به این پرونده در چند مرحله انجام شد. ابتدا در دادگاه بدوی آرتزو مطرح شد که به نفع آلمان رأی صادر گردید و ادعای مصونیت دولت را پذیرفت. سپس دادگاه تجدیدنظر فلورانس این پرونده را مورد بررسی قرار داد که مجدداً به نفع آلمان حکم صادر شد. نقطه عطف این پرونده، رأی دیوان عالی ایتالیا (Corte di Cassazione) در ۱۱ مارس ۲۰۰۴ بود که آرای پیشین را نقض کرد و اعلام کرد دادگاه‌های ایتالیا صلاحیت رسیدگی به این دعوا را دارند.^{۱۴}

استدلال اصلی دیوان عالی ایتالیا این بود که نقض قواعد آمره حقوق بین‌الملل مانند ممنوعیت جنایات جنگی، باعث از بین رفتن مصونیت دولت می‌شود. دیوان معتقد بود که قواعد آمره بر قاعده مصونیت دولت‌ها برتری دارند.^{۱۵} این رأی تحولی مهم در رویه قضایی بین‌المللی ایجاد کرد، زیرا تا پیش از آن، تقریباً هیچ دادگاهی مصونیت دولت‌ها را در موارد نقض حقوق بشر نادیده نگرفته بود.

در نهایت، این اختلاف به دیوان بین‌المللی دادگستری کشیده شد. آلمان در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۸ علیه ایتالیا در دیوان شکایت کرد و خواستار تأیید مصونیت خود شد. دیوان در ۳ فوریه ۲۰۱۲ به نفع آلمان رأی داد و اعلام کرد که ایتالیا با نادیده گرفتن مصونیت آلمان، حقوق بین‌الملل را نقض کرده است.^{۱۶}

این پرونده نشان داد که تعارض میان اصل مصونیت دولت‌ها و حمایت از حقوق بشر همچنان از چالش‌های مهم حقوق بین‌الملل است. اگرچه رأی دیوان بین‌المللی دادگستری موضع سنتی مصونیت را تأیید کرد، استدلال‌های نوآورانه دیوان عالی ایتالیا زمینه را برای بحث‌های بیشتر در این زمینه فراهم کرده است. این پرونده همچنین مسائل پیچیده‌ای را در مورد تعامل بین حقوق داخلی و بین‌المللی و نقش دادگاه‌های ملی در اجرای حقوق بین‌الملل مطرح کرد که همچنان موضوع بحث و بررسی در محافل حقوقی است.

پس از پرونده فرینی، پرونده شماره ۲۳۸/۲۰۱۴ دادگاه قانون اساسی ایتالیا یکی از مهم‌ترین آرای قضایی در زمینه مصونیت دولت‌ها و حقوق بشر است. موضوع اصلی این

14. Ferrini v. Repubblica Federale di Germania (Cass. Mar. 11, 2004) (Sez. Un.)

15. Gattini, "The Dispute on Jurisdictional Immunities," 177-178.

16. Gattini, "The Dispute on Jurisdictional Immunities," 173.

17. Judgment of 22 October 2014, No 238/2014 (Sentenza).

پرونده تعارض میان قاعده مصونیت دولت‌ها از صلاحیت قضایی خارجی و حق دسترسی به عدالت برای قربانیان نقض فاحش حقوق بشر بود. این پرونده در خصوص دعاوی مطالبه خسارت علیه آلمان توسط قربانیان جنایات نازی‌ها در جنگ جهانی دوم مطرح شد.

طرفین اصلی این دعوا جمهوری فدرال آلمان و قربانیان ایتالیایی جنایات نازی‌ها یا وارثان آنها بودند. پائولو تولدو (Paolo Toldo) یکی از این شاکیان بود که برای جبران خسارت ناشی از دستگیری غیرقانونی، اعزام به اردوگاه‌های کار اجباری و کار اجباری پدرش، ژنرال میکله تولدو، علیه آلمان طرح دعوا کرده بود.

این پرونده در چندین مرحله و در دادگاه‌های مختلف ایتالیا رسیدگی شد. ابتدا در سال ۲۰۰۴ در دادگاه بدوی فلورانس (Tribunale di Firenze) مطرح شد. سپس در ۲۸ مارس ۲۰۱۲، این دادگاه به نفع آلمان رأی داد. پرونده به دادگاه تجدیدنظر فلورانس (Corte di Appello di Firenze) ارجاع شد که در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۴ مجدداً به نفع آلمان حکم داد و بر مصونیت دولت تأکید داشت.

پس از صدور رأی در پرونده فرینسی علیه آلمان و شکایت آلمان در دیوان بین‌المللی دادگستری، همانگونه که مطرح شد در سال ۲۰۱۲ دیوان بین‌المللی دادگستری به نفع آلمان و لزوم رعایت مصونیت دولت‌ها براساس مفهوم کلاسیک آن تأکید کرد.

ایتالیا پس از رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۲۰۱۲، قانون شماره ۵/۲۰۱۳ را تصویب کرد که دادگاه‌های ایتالیایی را ملزم به رعایت مصونیت دولت‌های خارجی می‌کرد؛^{۱۸} اما بعدتر پس از ارسال پرونده به دیوان عالی ایتالیا در ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۰، دادگاه قانون اساسی ایتالیا در رأی ۲۳۸/۲۰۱۴ این قانون را مغایر با اصول بنیادین قانون اساسی از جمله ماده ۲۴ قانون اساسی این کشور در خصوص حق دسترسی به عدالت و همچنین ماده ۲ در خصوص حمایت از حقوق بنیادین بشر اعلام کرد.^{۱۹} در نهایت، دیوان عالی ایتالیا مطابق رأی شماره ۲۰۴۴۲/۲۰۲۰ مصونیت دولت آلمان را به علت نقض حقوق بشر و برای دسترسی به عدالت رد کرد و حکم دادگاه تجدیدنظر فلورانس را که به نفع آلمان صادر شده بود، نقض کرد و به نفع

18. Giorgia Berrino, "Plus Ça Change, Plus C'est la Même Chose: State Immunity and International Crimes in Judgment No. 20442/2020 of the Corte di Cassazione: Note to: Corte di Cassazione (Sezioni Unite Civili), P.T. v. Federal Republic of Germany and Republic of Italy, No. 20442," *The Italian Review of International and Comparative Law* 1, no. 2 (2022): 375.

19. Berrino, "Plus Ça Change, Plus C'est la Même Chose," 378.

تعارض مصونیت دولت و حقوق بشر: به سوی ... / فیروزآبادیان و یادگاریان ۱۹۷

خواهان رأی صادر کرد. همچنین دیوان عالی استدلال کرد که پس از رأی شماره ۲۳۸ دادگاه قانون اساسی، رویه قضایی ایتالیا به وضعیت قبل از حکم دیوان بین‌المللی دادگستری بازگشته و مصونیت دولت خارجی در موارد نقض فاحش حقوق بشر را نمی‌پذیرد.^{۲۰}

این رأی نشان‌دهنده تلاش نظام قضایی ایتالیا برای ایجاد تعادل میان حاکمیت دولت‌ها و حمایت از حقوق بشر است. هرچند این رویکرد با انتقاداتی از جمله نقض تعهدات بین‌المللی و عدم هماهنگی با رویه سایر کشورها مواجه شده است، می‌تواند زمینه‌ساز تحول در حقوق بین‌الملل و محدود شدن دامنه مصونیت دولت‌ها در موارد نقض فاحش حقوق بشر باشد. با این حال، مشکل اجرای احکام علیه آلمان همچنان باقی است و نیاز به راه‌حل‌های دیپلماتیک برای حل این مسئله احساس می‌شود.

در نتیجه، این پرونده نشان می‌دهد که تعارض میان اصول حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی کشورها در زمینه مصونیت دولت‌ها همچنان چالشی جدی است. رویکرد ایتالیا می‌تواند آغازگر تحولی در حقوق بین‌الملل باشد، اما نیاز به اجماع بین‌المللی برای حل این مسئله وجود دارد.

۲-۳. یونان

پرونده دیستومو (Distomo) یکی دیگر از پرونده‌های مربوط به مصونیت دولت در برابر دعاوی ناشی از جنایات جنگی است. این پرونده به کشتار غیرنظامیان یونانی توسط نیروهای آلمان نازی در روستای دیستومو یونان در ۱۰ ژوئن ۱۹۴۴ مربوط می‌شود. در آن روز، یک واحد اس.اس ادغام‌شده در ارتش آلمان، ۳۰۰ غیرنظامی بی‌گناه را به قتل رساند و روستا را به آتش کشید. طرفین اصلی این دعوا بازماندگان قربانیان کشتار دیستومو (اشخاص حقیقی) و دولت آلمان بودند. خواهان‌ها خواستار غرامت برای تخریب خانه و کسب و کار والدین خود و همچنین خسارات وارده به سلامتی و آموزش حرفه‌ای خود بودند.

این پرونده در چندین مرحله در دادگاه‌های مختلف رسیدگی شد. ابتدا دادگاه بدوی لیوادیا در ۳۰ اکتبر ۱۹۹۷ به نفع خواهان‌ها رأی داد و آلمان را به پرداخت غرامت محکوم کرد. این حکم توسط دیوان عالی یونان در ۴ مه ۲۰۰۰ تأیید شد؛^{۲۱} اما اجرای حکم در یونان به دلیل عدم

20. Berrino, "Plus Ça Change, Plus C'est la Même Chose," 379-380.

21. Prefecture of Boeotien v. Federal Republic of Germany, Greek Supreme Court (Areios Pagos), Decision No. 11/2000 (May 4, 2000).

صدور مجوز لازم توسط دولت یونان متوقف شد.^{۲۲} در آلمان، قانون دادگاه‌ها (GVG) ماده ۲۰ به مصونیت دولت‌ها اشاره می‌کند. همچنین، معاهده آلمان-یونان در مورد شناسایی متقابل و اجرای احکام دادگاه‌ها در امور مدنی و تجاری (۱۹۶۱) و ماده ۳۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی آلمان^{۲۳} در مورد شناسایی احکام خارجی، بر تصمیم دادگاه آلمانی تأثیرگذار بودند.^{۲۴} بنابراین، دیوان عالی فدرال آلمان در نهایت دعوی را رد کرد و امکان اجرای حکم در یونان و آلمان امکان‌پذیر نشد. دادگاه آلمان استدلال کرد که اصل مصونیت دولت مانع از رسیدگی به دعوی علیه آلمان در دادگاه‌های خارجی می‌شود، حتی در موارد نقض فاحش حقوق بشر.^{۲۵}

پس از اینکه خواهان‌ها نتوانستند رأی صادره را در یونان و آلمان اجرا کنند، اقدام به طرح دعوی در ایتالیا کردند. در نتیجه ایتالیا به نفع خواهان‌ها رأی داد و ویلای ویگونی متعلق به دولت آلمان را توقیف کرد. این یکی دیگر از مواردی بود که آلمان در شکایت سال ۲۰۰۸ خود در دیوان بین‌المللی دادگستری علیه ایتالیا مطرح ساخت.^{۲۶} این امر نشان‌دهنده این است که اگرچه ممکن است برخی کشورها مانند آلمان هنوز مصونیت نسبی را در موارد نقض حقوق بشر نپذیرفته باشند، اکثریت کشورهای دیگری که این اصل را پذیرفته‌اند، محلی برای اجرای این آرا خواهند بود.

این پرونده نقطه عطفی در بحث پیرامون رابطه میان مصونیت دولت و حقوق بشر است. رأی دادگاه آلمانی، برخلاف رویکرد دادگاه‌های یونانی، نشان‌دهنده تفاوت در رویکردهای قضایی کشورهای مختلف به این موضوع است. درحالی‌که دادگاه‌های یونانی تلاش کردند با تفسیر پویا از حقوق بین‌الملل، راهی برای جبران خسارت قربانیان بیابند، دادگاه آلمانی رویکردی محافظه‌کارانه‌تر اتخاذ و بر حفظ اصل مصونیت دولت تأکید کرد.

۳-۳. آلمان

پرونده پل واروارین (Bridge of Varvarin case) یکی از مهم‌ترین آرای دیوان قانون اساسی

22. Sabine Pittrof, "Compensation Claims for Human Rights Breaches Committed by German Armed Forces Abroad During the Second World War: Federal Court of Justice Hands Down Decision in the Distomo Case," *German Law Journal* 5, no. 1 (2004): 17.

23. ZPO (German Civil Procedure Code).

24. Pittrof, "Compensation Claims for Human Rights Breaches," 17.

25. Pittrof, "Compensation Claims for Human Rights Breaches," 17-18.

26. Sangeeta Shah, "Jurisdictional Immunities of the State: Germany v Italy," *Human Rights Law Review* 12, no. 3 (2012): 558.

آلمان در زمینه مصونیت دولت و حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. این پرونده مربوط به حمله هوایی ناتو به پلی در شهر واروارین صربستان در جریان جنگ کوزوو در ۳۰ مه ۱۹۹۹ است که منجر به کشته شدن ۱۰ نفر و زخمی شدن ۱۷ غیرنظامی شد. شاکیان این پرونده، شهروندان صربستانی بودند که از دولت آلمان به دلیل مشارکت در عملیات ناتو شکایت کرده و خواستار جبران خسارت شدند.

این پرونده ابتدا در دادگاه‌های عادی آلمان مطرح شد. دادگاه منطقه‌ای بن در ۱۰ دسامبر ۲۰۰۳ دعوی شاکیان را رد کرد و اعلام کرد که حقوق بین‌الملل حقی برای افراد جهت مطالبه خسارت ایجاد نمی‌کند. دادگاه تجدیدنظر کلن نیز در ۲۸ ژوئیه ۲۰۰۵ این رأی را تأیید کرد. در نهایت دیوان عالی فدرال آلمان در ۲ نوامبر ۲۰۰۶ درخواست تجدیدنظر نهایی را رد کرد. پس از آن شاکیان در سال ۲۰۰۷ به دیوان قانون اساسی فدرال آلمان شکایت کردند.

دیوان قانون اساسی آلمان در رأی خود در ۱۳ آگوست ۲۰۱۳ اعلام کرد که حقوق بین‌الملل عرفی حقی برای افراد خارجی جهت مطالبه غرامت از دولت خارجی بابت خسارات ناشی از عملیات نظامی ایجاد نمی‌کند؛^{۲۷} همچنین بیان کرد که مقررات معاهدات حقوق بشردوستانه مانند ماده ۳ کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷ و ماده ۹۱ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۷۷ نیز مستقیماً حقی برای افراد ایجاد نمی‌کنند.^{۲۸} بنابراین رویه آلمان در پرونده دیستومو بار دیگر نیز تکرار شد.

ماده ۲۵ قانون اساسی آلمان قواعد عام حقوق بین‌الملل را جزئی از حقوق فدرال می‌داند که بر قوانین عادی اولویت دارند.^{۲۹} با این حال دیوان اعلام کرد که چنین قاعده‌ای در خصوص حق مطالبه غرامت توسط افراد وجود ندارد. دیوان استدلال کرد که علیرغم تحولات حقوق بین‌الملل در زمینه حقوق بشر، همچنان اصل مصونیت دولت‌ها در برابر دعاوی افراد خارجی ناشی از اقدامات نظامی پابرجاست. با این وجود، دیوان تأکید کرد که دادگاه‌ها باید امکان بررسی قضایی کامل اقدامات نظامی را داشته باشند. دیوان اظهار کرد که تهیه فهرست اهداف نظامی و عدم اعمال حق وتو علیه گنجانیدن هدفی در این فهرست‌ها تصمیمات سیاسی

27. Bridge of Varvarin Case, Federal Constitutional Court of Germany (Bundesverfassungsgericht), Decision Nos. 2 BvR 2660/06, 2 BvR 487/07 (Aug. 13, 2013).

28. Klaus Ferdinand Gärditz, "Bridge of Varvarin," *The American Journal of International Law* 108, no. 1 (2014): 89.

29. Régis Bismuth et al., *Sovereign Immunity Under Pressure* (Springer, 2022): 29.

که از کنترل قضایی خارج باشند، نیستند.^{۳۰} این رویکرد نشان‌دهنده کوشش برای ایجاد توازن میان اصل مصونیت دولت و لزوم پاسخگویی در قبال نقض حقوق بشردوستانه است.

این رأی از چند جنبه اهمیت دارد. اولاً، دیوان با رد استدلال‌های مبتنی بر فردی شدن حقوق بین‌الملل بر ساختار سنتی حقوق بین‌الملل به‌مثابه نظامی میان دولت‌ها تأکید کرد. ثانیاً، این رأی نشان داد که علیرغم گسترش حقوق بشر، هنوز محدودیت‌هایی در زمینه مسئولیت دولت‌ها در قبال افراد وجود دارد. ثالثاً، دیوان با تأکید بر امکان بررسی قضایی اقدامات نظامی، گامی در جهت تقویت حاکمیت قانون در عملیات نظامی برداشت.

رأی دیوان قانون اساسی آلمان در پرونده پل واروارین، ضمن تأیید اصل مصونیت دولت، تلاشی برای ایجاد توازن میان این اصل و ضرورت پاسخگویی دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشردوستانه است. این رأی نشان می‌دهد که حقوق بین‌الملل همچنان در حال تحول است و چالش‌های جدی در زمینه تعادل میان حاکمیت دولت‌ها و حمایت از حقوق افراد وجود دارد.

۳-۴. ایالات متحده

پرونده آلمن علیه دولت اتریش (Republic of Austria v. Altmann) از مهم‌ترین دعاوی حقوقی در زمینه استرداد آثار هنری مصادره‌شده توسط نازی‌ها است. موضوع این پرونده، درخواست استرداد شش تابلوی نقاشی اثر گوستاو کلیمت (Gustav Klimt) بود که پس از مصادره توسط نازی‌ها در اختیار موزه بلودره وین (Vienna Belvedere Museum) قرار گرفته بود. طرفین اصلی دعوا ماریا آلمن (خواهان)، خواهرزاده و یکی از وراث‌فردیناند بلوخ-باوئر (Ferdinand Bloch-Bauers) و دولت اتریش (خواننده) بودند.

روند رسیدگی به این پرونده مانند پرونده‌های فوق در چند مرحله انجام شد. ابتدا در سال ۲۰۰۰ در دادگاه فدرال کالیفرنیا مطرح شد، سپس به دادگاه تجدیدنظر فدرال رفت و نهایتاً در ۷ ژوئن ۲۰۰۴ در دیوان عالی ایالات متحده مورد رسیدگی قرار گرفت.^{۳۱} دولت اتریش در همه مراحل به مصونیت قضایی خود استناد کرد، اما هر سه دادگاه این ادعا را رد کردند.^{۳۲}

30. Klaus Ferdinand Gärditz, "Bridge of Varvarin," *The American Journal of International Law* 108, no. 1 (2014): 90.

31. Republic of Austria v. Altmann, Supreme Court of the United States, 124 S.Ct. 2240 (June 7, 2004).

32. Erik Jayme, "Human Rights and Restitution of Nazi-Confiscated Artworks from Public Museums: The Altmann Case as a Model for Uniform Rules?," *Uniform Law Review* 11, no. 2

تعارض مصونیت دولت و حقوق بشر: به سوی ... / فیروزآبادیان و یادگاریان ۲۰۱

قانون مصونیت دولت‌های خارجی ایالات متحده مصوب ۱۹۷۶ (Foreign Sovereign Immunities Act – FSIA) نقش اساسی در این پرونده داشت. این قانون صراحتاً مواردی را که شامل حقوق اموال مصادره‌شده و نقض حقوق بین‌الملل می‌شود از مصونیت دولتی مستثنی کرده است.^{۳۳} دیوان عالی ایالات متحده رأی داد که قانون مذکور قابل اعمال در این پرونده است، حتی اگر وقایع مربوط به قبل از تصویب این قانون باشد. به عبارت دیگر، دیوان عالی بیان کرد مصادره اموال توسط رژیم نازی و اقدامات بعدی دولتی مرتبط با آن نمی‌تواند از اصل عدم عطف به ماسبق شدن قوانین بهره‌مند شود، بنابراین مصونیت دولت اتریش رد شد.

پس از رأی دیوان عالی، طرفین توافق کردند که اختلاف خود را به داوری در وین ارجاع دهند. هیئت داوری در ۱۵ ژانویه ۲۰۰۶ براساس قانون استرداد آثار هنری اتریش مصوب ۱۹۹۸ رأی داد که پنج تابلو از شش تابلوی مورد اختلاف باید به وراث بلوخ-باوئر مسترد شود. در مورد تابلوی ششم، هیئت داوری در رأی جداگانه‌ای در ماه مه ۲۰۰۶ تصمیم گرفت که مصادره‌ای صورت نگرفته است.^{۳۴}

این پرونده چندین نکته مهم را آشکار کرد. اولاً، اعمال عطف به ماسبق شدن قوانین حقوق بشری در موارد مربوط به هولوکاست را تأیید کرد. ثانیاً، نشان داد که در پرونده‌های مربوط به آثار هنری مصادره‌شده توسط نازی‌ها، حقوق بشر باید وزن قابل توجهی داشته باشد. ثالثاً، ارجاع اختلاف به داوری در کشور مبدأ آثار هنری را به‌منزله روشی مناسب برای حل و فصل اینگونه دعاوی معرفی کرد. یکی از چالش‌های این پرونده، مسائل پیچیده حقوق وراثت بود که در بسیاری از موارد مربوط به هولوکاست مطرح می‌شود. هیئت داوری مجبور شد به قوانین قدیمی اتریش رجوع کند که امروزه ممکن است با درک مدرن از برابری زن و مرد در تعارض باشد.

در نتیجه، پرونده آلتمن در جایگاه نقطه عطفی در حل و فصل اختلافات مربوط به آثار هنری مصادره‌شده در دوران هولوکاست شناخته می‌شود. این پرونده گامی مهم برای تدوین

(2006): 396.

33. Richard H. Weisberg, "From the Frying Pan to the Fire: SCOTUS' FSIA Inaction As Further Permitting Executive Branch Intervention in 'Takings Exception' Cases and Its Consequences in Forcing Holocaust Plaintiffs to Return to Europe," *University of Pittsburgh Law Review* 83, no. 2 (2022): 333.

34. Erik Jayme, "Human Rights and Restitution of Nazi-Confiscated Artworks from Public Museums: The Altmann Case as a Model for Uniform Rules?," *Uniform Law Review* 11, no. 2 (2006): 394.

قواعد فراملی در این زمینه برداشت و نشان داد که چگونه می‌توان بین منافع جهانی در حقوق هنر از جمله دسترسی عمومی به آثار هنری، حفاظت از حقوق بشر و حفظ صلح، توازن برقرار کرد. همچنین، این پرونده اهمیت داوری بین‌المللی و قوانین ملی خاص برای حل و فصل این نوع دعاوی را برجسته کرد.

۳-۵. انگلستان

پرونده جونز علیه وزارت کشور عربستان سعودی (Jones v. Ministry of Interior Al-Mamlaka Al-Arabiya as Saudiya and others) یکی از مهم‌ترین پرونده‌های مرتبط با مصونیت دولت در سال‌های گذشته است. موضوع این پرونده، ادعای شکنجه چهار شهروند بریتانیایی در عربستان سعودی بود که در نهایت در سال ۲۰۰۶ توسط مجلس اعیان بریتانیا مورد رسیدگی قرار گرفت. خواهان‌های این پرونده رونالد جونز، الکساندر میچل، ویلیام سمپسون و لزلی واکر بودند که علیه وزارت کشور عربستان سعودی و چند مقام سعودی در دادگاه‌های انگلستان طرح دعوا کردند. آنها ادعا می‌کردند که در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ در عربستان سعودی مورد شکنجه و بدرفتاری قرار گرفته‌اند.

این پرونده ابتدا در دادگاه عالی لندن مطرح شد که در سال ۲۰۰۳ به نفع عربستان سعودی رأی داد. سپس در دادگاه تجدیدنظر انگلستان مورد رسیدگی قرار گرفت که در سال ۲۰۰۴ رأی دادگاه بدوی را تأیید کرد. در نهایت پرونده به مجلس اعیان بریتانیا (دیوان عالی) ارجاع شد که در ۱۴ ژوئن ۲۰۰۶ رأی نهایی را صادر کرد. در همه این مراحل، دادگاه‌ها به نفع مصونیت عربستان سعودی رأی دادند.^{۳۵}

قانون مصونیت دولت انگلستان مصوب ۱۹۷۸ (State Immunity Act 1978) چهارچوب اصلی برای رسیدگی به این پرونده بود. این قانون مصونیت محدود را پذیرفته و استثنائاتی برای آن قائل شده است، اما استثنایی برای موارد نقض حقوق بشر در نظر نگرفته است. در زمان رسیدگی به این پرونده، کنوانسیون ملل متحد در مورد مصونیت‌های قضایی دولت‌ها و اموال آنها هنوز به تصویب نرسیده بود، اما دادگاه‌ها به آن به‌مثابه بیانگر حقوق بین‌الملل عرفی، استناد کردند.

مجلس اعیان به اتفاق آرا رأی داد که عربستان سعودی و مقامات آن از مصونیت دولت

35. Jones v. Ministry of Interior Al-Mamlaka Al-Arabiya AS (the Kingdom of Saudi Arabia), House of Lords, [2006] UKHL 26, [2006] 2 W.L.R. 1424 (June 14, 2006).

تعارض مصونیت دولت و حقوق بشر: به سوی ... / فیروزآبادیان و یادگاریان ۲۰۳

برخوردار هستند و دادگاه‌های انگلستان صلاحیت رسیدگی به این دعوا را ندارند. لردها استدلال کردند که مصونیت دولت، یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل است و حتی در موارد نقض حقوق بشر نیز اعمال می‌شود. لرد بینگهام و لرد هافمن تأکید کردند که مصونیت دولت قاعده شکلی است که صرفاً به صلاحیت دادگاه ملی مربوط می‌شود و تأثیری بر قواعد ماهوی ندارد.^{۳۶}

این رأی نشان داد که دادگاه‌های انگلستان همچنان رویکرد سنتی به مصونیت دولت را حفظ کرده‌اند و حاضر نیستند برای موارد نقض فاحش حقوق بشر استثنایی قائل شوند. با این حال، این رأی مورد انتقاد بسیاری از حقوق‌دانان قرار گرفت که معتقد بودند باید بین مصونیت دولت و حمایت از حقوق بشر توازن برقرار شود. برخی استدلال کردند که در عمل، اعطای مصونیت به دولت‌ها منجر به مصونیت از مجازات می‌شود، زیرا در بسیاری موارد قربانیان نقض حقوق بشر امکان دسترسی به دادگاه‌های کشور ناقض را ندارند.^{۳۷}

پرونده جونز نشان داد که تعارض بین اصل مصونیت دولت و حمایت از حقوق بشر همچنان از چالش‌های مهم حقوق بین‌الملل معاصر است. این پرونده همچنین نشان داد که علیرغم تحولات در زمینه حقوق بشر، دادگاه‌های ملی همچنان تمایل دارند رویکرد سنتی به مصونیت دولت را حفظ کنند. این امر نیاز به بازنگری در قواعد سنتی مصونیت دولت و ایجاد توازن بین حاکمیت دولت‌ها و حمایت از حقوق بنیادین بشر را برجسته می‌کند.

۳-۶. لهستان

در سال ۲۰۱۰، دیوان عالی لهستان به پرونده‌ای رسیدگی کرد که موضوع آن چالش مصونیت دولت آلمان در رابطه با جنایات جنگی ارتكابی در خاک لهستان طی جنگ جهانی دوم بود. خواهان این پرونده، وینیچیوس ناتونیوسکی،^{۳۸} شهروند لهستانی بود که در کودکی در حمله نیروهای نازی به روستای محل سکونتش در سال ۱۹۴۴ به شدت مجروح شده بود. وی علیه دولت آلمان در دادگاه‌های لهستان اقامه دعوی کرد و خواستار جبران خسارت شد.

این پرونده ابتدا در دادگاه منطقه‌ای گدانسک و سپس در دادگاه تجدیدنظر گدانسک مورد

36. Theodor Schilling, "One Mode of Judicial Law-Making: Disapplying Extant International Law," *Archiv Des Völkerrechts* 55, no. 1 (2017): 69.

37. Lorna McGregor, "Torture and State Immunity: Deflecting Impunity, Distorting Sovereignty," *European Journal of International Law* 18, no. 5 (November 2007): 909.

38. *Winicjusz Natoniewski v. Federal Republic of Germany*.

رسیدگی قرار گرفت. هر دو دادگاه به نفع مصونیت آلمان رأی دادند. نهایتاً در ۲۹ اکتبر ۲۰۱۰، دیوان عالی لهستان به این پرونده رسیدگی و رأی نهایی را صادر کرد.^{۳۹} دیوان عالی پس از بررسی دقیق رویه قضایی بین‌المللی و داخلی به این نتیجه رسید که مصونیت دولت در موارد اعمال حاکمیتی همچنان اصل است و استثنایی برای جنایات جنگی وجود ندارد.^{۴۰}

دیوان عالی لهستان استدلال کرد که اگرچه ممنوعیت جنایات جنگی قاعده آمره است، اما این امر به خودی خود سبب سلب مصونیت دولت نمی‌شود. دادگاه همچنین به رأی دادگاه اروپایی حقوق بشر در پرونده ال‌دسانی علیه بریتانیا^{۴۱} اشاره کرد که مصونیت دولت را حتی در موارد ادعای شکنجه به رسمیت شناخته بود.^{۴۲}

در نهایت، دیوان عالی لهستان مصونیت آلمان را به رسمیت شناخت و دعوای خواهان را رد کرد. با این حال، دیوان تأکید کرد که قربانیان باید از راه‌های دیگر مانند مذاکرات بین دولتی به جبران خسارت دست یابند.

این پرونده بیانگر چالش مداوم میان اصل مصونیت دولت و حق دسترسی به عدالت است. اگرچه مصونیت دولت کماکان اصل غالب است، اما فشارها برای ایجاد استثنائاتی در موارد نقض فاحش حقوق بشر رو به افزایش است. به نظر می‌رسد تحول در این زمینه نیازمند اجماع گسترده‌تر جامعه بین‌المللی است.

۳-۷. هلند

پرونده انجمن مادران سربریتسا علیه دولت هلند و سازمان ملل متحد،^{۴۳} از مهم‌ترین پرونده‌های حقوقی در زمینه مصونیت سازمان‌های بین‌المللی است. این پرونده در پی نسل‌کشی سربریتسا در سال ۱۹۹۵ مطرح شد که طی آن دست‌کم ۸۰۰۰ مرد و پسر مسلمان بوسنیایی کشته شدند. خواهان‌ها که شامل انجمن مادران سربریتسا و ده نفر از بازماندگان قربانیان بودند، دولت هلند و

39. Natoniewski v. Federal Republic of Germany, Supreme Court of Poland, Decision No. IV CSK 465/09 (Oct. 29, 2010).

40. Vessela Terzieva, "State Immunity and Victims' Rights to Access to Court, Reparation, and the Truth," *International Criminal Law Review* 22, no. 4 (2022): 793.

41. Al-Adsani v. United Kingdom.

42. Paul Christoph Bornkamm, "State Immunity Against Claims Arising from War Crimes: The Judgment of the International Court of Justice in Jurisdictional Immunities of the State," *German Law Journal* 13, no. 6 (2012): 780.

43. Mothers Of Srebrenica Association Et Al. V. The Netherlands.

تعارض مصونیت دولت و حقوق بشر: به سوی ... / فیروزآبادیان و یادگاریان ۲۰۵

سازمان ملل را به دلیل عدم جلوگیری از این فاجعه، مسئول دانستند.

دادرسی این پرونده در سه مرحله انجام شد. ابتدا دادگاه بدوی لاهه در ۱۰ جولای ۲۰۰۸ به دلیل مصونیت سازمان ملل، خود را فاقد صلاحیت رسیدگی به دعوا علیه این سازمان اعلام کرد. سپس دادگاه تجدیدنظر لاهه در ۳۰ مارس ۲۰۱۰ این رأی را تأیید کرد. در آخر دیوان عالی هلند در ۱۳ آوریل ۲۰۱۲ رأی نهایی را صادر کرد.^{۴۴}

دیوان عالی هلند در رأی خود، مصونیت مطلق سازمان ملل را تأیید کرد. این دادگاه استدلال کرد که مصونیت سازمان ملل براساس ماده ۱۰۵ منشور ملل متحد و ماده ۲ بخش ۲ کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های سازمان ملل متحد است. طبق این مواد، سازمان ملل از «هر شکل اقدام قانونی» مصون است، مگر اینکه صریحاً از این مصونیت چشم‌پوشی کند.^{۴۵}

دیوان عالی همچنین به تعارض بین مصونیت سازمان ملل و حق دسترسی به دادگاه مندرج در ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر پرداخت. دادگاه با استناد به رویه دیوان اروپایی حقوق بشر و دیوان بین‌المللی دادگستری، اعلام کرد که مصونیت سازمان ملل بر حق دسترسی به دادگاه اولویت دارد.^{۴۶}

یکی از نکات قابل توجه در این پرونده، استدلال خواهان‌ها مبنی بر عدم اعمال مصونیت در موارد نقض فاحش حقوق بشر بود؛ اما دیوان عالی هلند با استناد به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده مصونیت‌های قضایی دولت (آلمان علیه ایتالیا) این استدلال را رد کرد. طبق این رأی، حتی در موارد نقض جدی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، مصونیت دولت باید رعایت شود.^{۴۷}

در نهایت، دیوان عالی هلند رأی داد که دادگاه‌های هلند صلاحیت رسیدگی به دعوا علیه سازمان ملل را ندارند. مصونیت گسترده سازمان ملل می‌تواند باعث نگرانی در مورد پاسخگویی سازمان ملل در قبال اقدامات خود شود و لزوم ایجاد سازوکارهای جایگزین برای جبران خسارت قربانیان را برجسته می‌کند.

44. Mothers of Srebrenica Association et al. v. The Netherlands, Dutch Supreme Court (Hoge Raad), Judgment No. 10/04437 (Apr. 13, 2012).

45. Thomas Henquet, "The Supreme Court of the Netherlands: Mothers of Srebrenica Association et al. v. the Netherlands," *International Legal Materials* 51, no. 6 (2012): 1322-1323.

46. Henquet, "The Supreme Court of the Netherlands," 1358.

47. Henquet, "The Supreme Court of the Netherlands," 1361.

۳-۸. نیوزلند

پرونده فنگ و دیگران علیه جیانگ زمین و دیگران^{۴۸} در دادگاه عالی نیوزیلند، نمونه‌ای از چالش‌های حقوقی در زمینه مصونیت دولت و مقابله با شکنجه است. این پرونده مربوط به دعوی مدنی ۱۱ شهروند نیوزیلندی علیه مقامات سابق چین از جمله رئیس جمهور سابق جیانگ زمین به اتهام شکنجه بود. خواهان‌ها ادعا کردند بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲ در چین به دلیل پیروی از فرقه فالون گونگ (Falun Gong) مورد شکنجه قرار گرفته‌اند و خواستار صدور اجازه ابلاغ دادخواست به خواننده‌ها در خارج از نیوزیلند بودند.

دادگاه عالی نیوزیلند در ۲۱ دسامبر ۲۰۰۶ به این پرونده رسیدگی کرد. قاضی رندرسون درخواست خواهان‌ها را رد و حکم داد که خواننده‌ها از مصونیت دولتی برخوردار هستند. دادگاه استدلال کرد که اگرچه منع شکنجه یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل است، هیچ استثنای پذیرفته‌شده‌ای برای شکنجه یا قواعد آمره در اصل مصونیت دولت وجود ندارد.^{۴۹}

دادگاه به کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴ استناد کرد که نیوزیلند و چین هر دو عضو آن هستند. این کنوانسیون صلاحیت جهانی کیفری را برای شکنجه مقرر می‌کند، اما چنین صلاحیتی را برای دعوی مدنی پیش‌بینی نکرده است. همچنین به کنوانسیون مصونیت‌های قضایی دولت‌ها ۲۰۰۴ اشاره شد که استثنایی برای شکنجه قائل نشده است.^{۵۰}

دادگاه با پیروی از رأی مجلس اعیان انگلیس در پرونده جونز علیه عربستان سعودی استدلال کرد که دادگاه‌های ملی نمی‌توانند استثنای جدید برای اصل مصونیت در حقوق بین‌الملل ایجاد کنند. قاضی رندرسون تأکید کرد که نیوزیلند نمی‌تواند رویکردی متفاوت از آنچه در مجلس اعیان انگلیس مطرح شده است، اتخاذ کند، زیرا این امر با اصول حقوق بین‌الملل مغایرت دارد.^{۵۱}

در نهایت، درخواست اجازه ابلاغ دادخواست به خواننده‌ها در خارج از کشور رد شد. این رأی نشان می‌دهد که علیرغم اهمیت منع شکنجه در حقوق بین‌الملل، اصل مصونیت دولت

48. Fang and Others v. Jiang Zemin and Others.

49. Fang and Others v. Jiang Zemin and Others, New Zealand High Court, Judgment of 21 December 2006 [2007] NZAR 420 (Randerson J).

50. "Fang and Others v. Jiang Zemin and Others," *International Law Reports* 141 (2011): 713-714.

51. "Fang and Others v. Jiang Zemin and Others," *International Law Reports* 141 (2011): 718-719.

تعارض مصونیت دولت و حقوق بشر: به سوی ... / فیروزآبادیان و یادگاریان ۲۰۷

همچنان مانعی جدی برای طرح دعاوی مدنی علیه مقامات خارجی به اتهام شکنجه است.

۳-۹. روسیه

دادگاه قانون اساسی روسیه در ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ رأی صادر کرد که به موجب آن، این کشور می‌تواند از اجرای احکام دادگاه اروپایی حقوق بشر (European Court of Human Rights) در صورت مغایرت با قانون اساسی روسیه خودداری کند. این پرونده در پی درخواست گروهی از نمایندگان مجلس دوما (State Duma) برای بررسی سازگاری قوانین مربوط به اجرای احکام دادگاه استراسبورگ (Strasbourg Court) با قانون اساسی روسیه مطرح شد. زمینه اصلی این درخواست، رأی دادگاه اروپایی حقوق بشر در پرونده آنچوگوف و گلادکوف علیه روسیه^{۵۲} بود که محرومیت زندانیان از حق رأی در روسیه را مغایر با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دانسته بود.^{۵۳}

دادگاه قانون اساسی روسیه در رأی خود تأکید کرد که اگر تفسیر دادگاه استراسبورگ از کنوانسیون با اصول و هنجارهای قانون اساسی روسیه در تعارض باشد، این کشور می‌تواند از اجرای آن خودداری کند.^{۵۴} این دادگاه همچنین استدلال کرد که گاهی حقوق شهروندان در سطح قانون اساسی روسیه بهتر از سطح اروپایی تأمین می‌شود. دادگاه برای توجیه موضع خود به آرای مشابه دادگاه‌های قانون اساسی آلمان و ایتالیا استناد کرد، هرچند تفسیر دادگاه روسیه از این آرا مورد انتقاد کمیسیون ونیز قرار گرفت.^{۵۵}

این رأی نقطه عطفی در رابطه روسیه با نظام حقوق بشر اروپایی محسوب می‌شود و نشان‌دهنده تغییر رویکرد روسیه از همراهی به مقاومت در برابر احکام دادگاه اروپایی حقوق بشر است. پس از صدور این رأی، پارلمان روسیه در دسامبر ۲۰۱۵ قانونی تصویب کرد که به دادگاه قانون اساسی اجازه می‌دهد احکام دادگاه استراسبورگ را از نظر سازگاری با قانون اساسی بررسی کند.^{۵۶} در آوریل ۲۰۱۶، دادگاه قانون اساسی روسیه با استناد به این سازوکار

52. Anchugov and Gladkov v Russia Case (2013).

53. ECtHR 4 July 2013, Case Nos. 1157/04 and 15162/04, Anchugov and Gladkov v Russia.

54. Lauri Mälksoo, "Russia's Constitutional Court Defies the European Court of Human Rights: Constitutional Court of the Russian Federation Judgment of 14 July 2015, No 21-II/2015," *European Constitutional Law Review* 12, no. 2 (2016): 380.

55. Mälksoo, "Russia's Constitutional Court Defies," 390-391.

56. Mälksoo, "Russia's Constitutional Court Defies," 377.

جدید، اجرای رأی آنچوگوف و گلاذكوف را ناممکن اعلام کرد.^{۵۷}

کمیسیون ونیز در نظر مشورتی خود اعلام کرد که رأی دادگاه قانون اساسی روسیه ناقض تعهدات بین‌المللی این کشور تحت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است.^{۵۸} این رأی تلاشی برای توجیه حقوقی عدم اجرای برخی احکام دادگاه استراسبورگ توسط روسیه است که می‌تواند پیامدهای منفی برای نظام حقوق بشر اروپایی داشته باشد. به نظر می‌رسد روسیه با این رأی درصدد است تا حاشیه صلاحیت گسترده‌تری در اجرای احکام دادگاه استراسبورگ برای خود قائل شود.

این پرونده نشان می‌دهد که تنش میان حاکمیت ملی و تعهدات بین‌المللی حقوق بشری همچنان از چالش‌های اساسی نظام حقوق بشر اروپایی است. رویکرد روسیه می‌تواند الگویی برای سایر کشورها در مقاومت در برابر احکام دادگاه استراسبورگ باشد و اثربخشی نظام حقوق بشر اروپایی را تضعیف کند.

۱۰-۳. کانادا

پرونده تریسی علیه وزارت اطلاعات و امنیت ایران (Tracy v. The Iranian Ministry of Information and Security) از مهم‌ترین و جدیدترین پرونده‌های حقوقی در زمینه مصونیت دولت‌ها و حقوق بشر است که در دادگاه‌های کانادا به آن رسیدگی شد. این پرونده شامل دعاوی متعدد قربانیان حملات تروریستی علیه جمهوری اسلامی ایران بود که به دنبال اجرای احکام صادره از دادگاه‌های آمریکا در خصوص پرونده پیترسون در کانادا بودند.^{۵۹} اگرچه ایران در ایالات متحده اقدام به پیگیری حقوقی نمود و همچنین به دلیل توقیف دارایی‌های بانک مرکزی در خاک ایالات متحده در دیوان بین‌المللی دادگستری، اقدام دعاوی کرد و دیوان نیز در ۱۰ فروردین ۱۴۰۲ رأی به جبران خسارت از ایران داد،^{۶۰} رأی صادره اولیه در ایالات متحده مبنی بر جبران خسارت از قربانیان و خانواده آنها قبل از صدور رأی دیوان در کانادا اجرایی شد.

57. Mälksoo, "Russia's Constitutional Court Defies," 384.

58. Alexander Blankenagel, "The Relationship between the European Court of Human Rights and the Constitutional Court of the Russian Federation: A Reply to Jeffrey Kahn," *European Journal of International Law* 30, no. 3 (August 2019): 967.

59. Régis Bismuth et al., *Sovereign Immunity Under Pressure* (Springer, 2022): 336.

۶۰. فرامرز یادگاریان، محسن محبی، و امیرحسین ملکی زاده، «اثبات صلاحیت ماهوی دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده نقض معاهده مودت (۱۹۵۵)، فصلنامه مطالعات بین‌المللی ۲۱، شماره ۱ (بهار ۱۴۰۳): ۳۸.

تعارض مصونیت دولت و حقوق بشر: به سوی ... / فیروزآبادیان و یادگاریان ۲۰۹

طرفین اصلی این دعوا شامل شهروندان آمریکایی قربانی حملات تروریستی (خواهان‌ها) و جمهوری اسلامی ایران، وزارت اطلاعات و امنیت ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (خواندگان) بودند. پرونده در چندین مرحله و در دادگاه‌های مختلف کانادا رسیدگی شد. ابتدا در دادگاه عالی نوا اسکوشیا در مارس ۲۰۱۳، سپس در دادگاه عالی انتاریو در می ۲۰۱۳ و اکتبر ۲۰۱۴ و نهایتاً در دادگاه عالی انتاریو (شعبه تجاری) در ۹ ژوئن ۲۰۱۶ این پرونده مورد رسیدگی قرار گرفت.^{۶۱}

قوانین کلیدی که در این پرونده مورد استناد قرار گرفتند عبارت‌اند از: نخست قانون مصونیت دولت (State Immunity Act, 1985 (SIA)) و دوم، قانون عدالت برای قربانیان تروریسم (Justice for Victims of Terrorism Act, 2012. (JVTA)). طبق اصلاحات سال ۲۰۱۲ در قانون مصونیت دولت، کشورهایی که در فهرست حامیان تروریسم قرار دارند از مصونیت برخوردار نیستند. با استناد به قانون عدالت برای قربانیان تروریسم در کانادا، خواهان‌ها اقدام به اجرای این احکام در دادگاه‌های نوا اسکوشیا کردند.^{۶۲} دادگاه نوا اسکوشیا علیه ایران حکم صادر کرد و خواهان‌ها این حکم را در انتاریو نیز به ثبت رساندند؛ اما باید توجه داشت که این اقدام کانادا از منظر حقوق بین‌الملل قابل انتقاد است. چراکه بدعت ایالات متحده در جعل و قانون‌گذاری و اعمال تحریم علیه کشورهای حامی تروریسم در حقوق بین‌الملل امروز، چالش‌برانگیز است. نشانه این امر، عدم پذیرش این رویه از سوی دیگر کشورهاست. فقط دولت کانادا به تأسی از این رویه از سال ۲۰۱۲ به بعد چنین فهرستی را ایجاد کرده و ایران و سوریه را تا به امروز در آن جای داده است.^{۶۳}

در زمینه کنوانسیون‌های بین‌المللی، کانادا عضو کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک است که در قانون مأموریت‌های خارجی و سازمان‌های بین‌المللی (Foreign Missions and International Organizations Act (FMIOA)) اجرایی شده است. با این حال، دادگاه تشخیص داد که اموال توقیف‌شده ایران مشمول مصونیت دیپلماتیک نمی‌شوند. در نهایت، دادگاه عالی انتاریو تمام اعتراضات ایران را رد کرد و احکام صادره علیه ایران را تأیید کرد و

61. Tracy v. The Iranian Ministry of Information and Security (2016), ONSC 37759 (Ontario Superior Court of Justice).

62. Joost Blom, "Canadian Cases in Private International Law in 2017," *Canadian Yearbook of international Law/Annuaire canadien de droit international* 55 (2018): 633.

63. Thomas Juneau, "A Story of Failed Re-Engagement: Canada and Iran, 2015–2018," *Canadian Foreign Policy Journal* 25, no. 1 (2019): 41.

قابل اجرا دانست.^{۶۴} این رأی نشان می‌دهد که دادگاه‌های کانادا می‌توانند احکام خارجی علیه کشورهای حامی تروریسم را به رسمیت بشناسند و اجرا کنند، حتی اگر آن کشور از مصونیت دولتی برخوردار باشد.

با این حال، این رویکرد کانادا با اصول حقوق بین‌الملل در تعارض است و مغایر با اصل مسلم حاکمیت دولت‌ها و مصونیت دولت و مقامات آنهاست. این امر می‌تواند پیامدهای منفی برای روابط بین‌المللی و حاکمیت قانون در سطح جهانی داشته باشد. در نتیجه، اگرچه این پرونده راه را برای قربانیان تروریسم جهت دستیابی به عدالت و جبران خسارت هموار می‌کند، چالش‌هایی را در زمینه مصونیت دولت‌ها و احترام به حاکمیت ملی ایجاد می‌کند. این رأی می‌تواند به مثابه سابقه‌ای برای دعاوی مشابه در آینده مورد استناد قرار گیرد، اما باید با احتیاط و با توجه به اصول حقوق بین‌الملل مورد استفاده قرار گیرد.

۴. نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی رویه قضایی کشورهای مختلف در زمینه تعارض میان اصل مصونیت دولت و حمایت از حقوق بشر، نشان‌دهنده پیچیدگی و چالش‌برانگیز بودن این موضوع در حقوق بین‌الملل معاصر است. این مطالعه آشکار ساخت که کشورها رویکردهای متفاوتی در مواجهه با این مسئله اتخاذ کرده‌اند.

ایتالیا و یونان با اتخاذ رویکردی پیشرو، کوشیده‌اند تا در موارد نقض فاحش حقوق بشر، استثنایی بر اصل مصونیت دولت قائل شود. این رویکرد، اگرچه در راستای حمایت از حقوق قربانیان است، با چالش‌های جدی در سطح بین‌المللی مواجه شده است. در مقابل، کشورهایمانند انگلستان، هلند، لهستان و نیوزلند با اتخاذ رویکردی محافظه‌کارانه‌تر بر حفظ اصل مصونیت دولت تأکید کرده‌اند. این تفاوت رویکردها نشان می‌دهد که هنوز اجماع جهانی در این زمینه وجود ندارد.

آلمان با توجه به سابقه تاریخی خود، رویکردی متعادل‌تر اتخاذ کرده است. دادگاه‌های آلمان، ضمن تأکید بر اصل مصونیت، تلاش کرده‌اند تا راه‌هایی برای جبران خسارت قربانیان بیابند. این رویکرد نشان می‌دهد که می‌توان راه‌حل‌های میانه‌ای برای این تعارض یافت.

64. Joost Blom, "Canadian Cases in Private International Law in 2017," *Canadian Yearbook of international Law/Annuaire canadien de droit international* 55 (2018): 633.

تعارض مصونیت دولت و حقوق بشر: به سوی ... / فیروزآبادیان و یادگاریان ۲۱۱

رویکرد روسیه به‌ویژه در رأی دادگاه قانون اساسی این کشور در سال ۲۰۱۵، نشان‌دهنده تمایل به حفظ حاکمیت ملی در برابر تعهدات بین‌المللی حقوق بشری است. این امر چالش‌های جدیدی را در زمینه اجرای احکام دادگاه‌های بین‌المللی حقوق بشر ایجاد کرده است.

رویکرد کانادا و ایالات متحده در تصویب قوانین داخلی برای محدود کردن مصونیت دولت‌ها در موارد خاص، اگرچه تلاشی برای حمایت از قربانیان است، از منظر حقوق بین‌الملل با انتقادات جدی مواجه شده است. این امر نشان می‌دهد که راه‌حل‌های یک‌جانبه، نمی‌توانند پاسخگوی این چالش جهانی باشند.

با توجه به این یافته‌ها به نظر می‌رسد فرضیه اصلی این پژوهش مبنی بر ضرورت ایجاد سازوکار بین‌المللی جبران خسارت برای قربانیان نقض فاحش حقوق بشر، راه‌حلی منطقی و متوازن باشد. چنین سازوکاری می‌تواند ضمن حفظ اصل مصونیت دولت‌ها، امکان دسترسی به عدالت را برای قربانیان فراهم کند.

این سازوکار بین‌المللی می‌تواند به صورت نهادی مستقل، زیر نظر سازمان ملل متحد یا دیوان بین‌المللی دادگستری عمل کند. این نهاد می‌تواند صلاحیت رسیدگی به دعاوی مربوط به نقض فاحش حقوق بشر را داشته باشد، بدون آنکه مستقیماً اصل مصونیت دولت‌ها را نقض کند. تأمین مالی این سازوکار می‌تواند از طریق مشارکت داوطلبانه دولت‌ها یا اختصاص بخشی از بودجه سازمان ملل صورت گیرد.

ایجاد چنین سازوکاری می‌تواند چندین مزیت داشته باشد. این سازوکار می‌تواند ضمن حفظ اصل مصونیت دولت و جلوگیری از تضعیف این اصل مهم حقوق بین‌الملل، راهی برای جبران خسارت قربانیان نقض فاحش حقوق بشر فراهم کند. همچنین، می‌تواند به ایجاد رویه یکپارچه و قابل پیش‌بینی در سطح بین‌المللی کمک کند و تنش‌های دیپلماتیک ناشی از رسیدگی به این دعاوی در دادگاه‌های ملی را کاهش دهد. با این حال، ایجاد چنین سازوکاری با چالش‌هایی نیز روبه‌رو خواهد بود. از جمله این چالش‌ها می‌توان به نیاز به اجماع بین‌المللی برای ایجاد و پذیرش چنین سازوکاری، تعیین دقیق صلاحیت و حدود اختیارات این نهاد، تضمین استقلال و بی‌طرفی آن و حصول اطمینان از اجرای تصمیمات این نهاد توسط دولت‌ها اشاره کرد.

در پایان، باید تأکید کرد که حل تعارض میان اصل مصونیت دولت و حمایت از حقوق بشر، نیازمند همکاری و اراده سیاسی جامعه بین‌المللی است. ایجاد سازوکار بین‌المللی جبران خسارت می‌تواند گامی مهم برای ایجاد توازن میان این دو ارزش مهم حقوقی باشد و به تقویت حاکمیت قانون در سطح بین‌المللی کمک کند.

سیاهه منابع

الف- منابع فارسی:

یادگاریان، فرامرز، محسن محبی، و امیرحسین ملکی‌زاده. «اثبات صلاحیت ماهوی دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده نقض معاهده مودت (۱۹۵۵)، فصلنامه مطالعات بین‌المللی ۲۱، شماره ۱ (بهار ۱۴۰۳): ۳۱-۵۴.

<https://dx.doi.org/10.22034/isj.2024.398132.2012>

ب- منابع لاتین:

Anchugov and Gladkov v Russia. European Court of Human Rights, Case Nos. 1157/04 and 15162/04. Judgment of 4 July 2013.

Bankas, Ernest K. *The State Immunity Controversy in International Law: Private Suits Against Sovereign States in Domestic Courts*. 2nd ed. Berlin: Springer-Verlag GmbH, 2022. <https://doi.org/10.1007/978-3-662-64043-2>

Bawah, Alhassan Salifu. "Restrictive Foreign Sovereign Immunity in the United Kingdom (UK): A Welcome Development in International Commercial Transactions." *Beijing Law Review* 10 (2019): 168-177. <https://doi.org/10.4236/blr.2019.101010>.

Berrino, Giorgia. "Plus Ça Change, Plus C'est la Même Chose: State Immunity and International Crimes in Judgment No. 20442/2020 of the Corte di Cassazione: Note to: Corte di Cassazione (Sezioni Unite Civili), P.T. v. Federal Republic of Germany and Republic of Italy, 28 September 2020, No. 20442." *The Italian Review of International and Comparative Law* 1, no. 2 (2022): 374-391. <https://doi.org/10.1163/27725650-01020008>.

Bismuth, Régis, Vera Rusinova, Vladislav Starzhenetskiy, and Geir Ulfstein. *Sovereign Immunity Under Pressure*. Springer, 2022. <https://doi.org/10.1007/978-3-030-87706-4>.

Blankenagel, Alexander. "The Relationship between the European Court of Human Rights and the Constitutional Court of the Russian Federation: A Reply to Jeffrey Kahn." *European Journal of International Law* 30, No.3 (August 2019): 961-969. <https://doi.org/10.1093/ejil/chz059>.

Blom, Joost. "Canadian Cases in Private International Law in 2017." *Canadian Yearbook of international Law/Annuaire canadien de droit international* 55 (2018): 598-645. <https://doi.org/10.1017/cyl.2018.15>.

Bornkamm, Paul Christoph. "State Immunity Against Claims Arising from War Crimes: The Judgment of the International Court of Justice in Jurisdictional

Immunities of the State.” *German Law Journal* 13, No.6 (2012): 773–82.
<https://doi.org/10.1017/S2071832200020733>.

Bridge of Varvarin Case. Federal Constitutional Court of Germany (Bundesverfassungsgericht). Decision Nos. 2 BvR 2660/06, 2 BvR 487/07 (Aug. 13, 2013).

Damilare, Disu. “Sovereign Immunity from Legal & Arbitral Proceedings and Execution Against Assets of a Sovereign State: The Evolving Paradigm Shift.” *Nigerian Journal of Arbitration* 16 (2021): 1–33.
<https://doi.org/10.2139/ssrn.4311651>.

Dautaj, Ylli. “Immunity from Suit for International Organizations: The Judiciary's New Que of Separating Lawsuit Sheep from Lawsuit Goats.” *Indiana Journal of Global Legal Studies* 27, No.2 (2020): 68–207.
<https://doi.org/10.2979/indjglolegstu.27.2.0207>.

Fang and Others v. Jiang Zemin and Others. New Zealand High Court, Judgment of 21 December 2006 [2007] NZAR 420 (Randerson J).

Ferrini v. Repubblica Federale di Germania (Cass. Mar. 11, 2004) (Sez. Un.)

Franchini, Daniel. “State Immunity And Third-Party Limits On The Jurisdiction Of Domestic Courts.” *International and Comparative Law Quarterly* 72, No.3 (2023): 819–835. <https://doi.org/10.1017/S0020589323000167>.

Gärditz, Klaus Ferdinand. “Bridge of Varvarin.” *The American Journal of International Law* 108, No.1 (2014): 86–93.
<https://doi.org/10.5305/amerjintlaw.108.1.0086>.

Gattini, Andrea. “The Dispute on Jurisdictional Immunities of the State before the ICJ: Is the Time Ripe for a Change of the Law?.” *Leiden Journal of International Law* 24, No.1 (2011): 173–200. <https://doi.org/10.1017/S0922156510000683>.

Henquet, Thomas. “The Supreme Court of the Netherlands: Mothers of Srebrenica Association et al. v. the Netherlands.” *International Legal Materials* 51, No.6 (2012): 63–1322. <https://doi.org/10.5305/intelegamate.51.6.1322>.

Jayne, Erik. “Human Rights and Restitution of Nazi-Confiscated Artworks from Public Museums: The Altmann Case as a Model for Uniform Rules?.” *Uniform Law Review* 11, No.2 (April 2006): 393–398. <https://doi.org/10.1093/ulr/11.2.393>.

Jones v. Ministry of Interior Al-Mamlaka Al-Arabiya AS (the Kingdom of Saudi Arabia). House of Lords [2006] UKHL 26 [2006] 2 W.L.R. 1424 (June 14, 2006).

Juneau, Thomas. “A Story of Failed Re-Engagement: Canada and Iran, 2015–2018.” *Canadian Foreign Policy Journal* 25, No.1 (2019): 39–53.
<https://doi.org/10.1080/11926422.2018.1564683>.

Kadelbach, Stefan. “State Immunity, Individual Compensation for Victims of Human Rights Crimes, and Future Prospects.” In *Remedies against Immunity?*, edited by

- Valentina Volpe, Anne Peters, and Stefano Battini, 297. Berlin, Heidelberg: Springer, 2021. https://doi.org/10.1007/978-3-662-62304-6_7.
- Mälksoo, Lauri. "Russia's Constitutional Court Defies the European Court of Human Rights: Constitutional Court of the Russian Federation Judgment of 14 July 2015, No 21-Π/2015." *European Constitutional Law Review* 12, No.2 (2016): 95-377. <https://doi.org/10.1017/S1574019616000237>.
- McGregor, Lorna. "Torture and State Immunity: Deflecting Impunity, Distorting Sovereignty." *European Journal of International Law* 18, No.5 (November 2007): 903-919. <https://doi.org/10.1093/ejil/chm048>.
- Mothers of Srebrenica Association et al. v. The Netherlands. Dutch Supreme Court (Hoge Raad). Judgment No. 10/04437 (April 13, 2012).
- Natoniewski v. Federal Republic of Germany. Supreme Court of Poland, Decision No. IV CSK 465/09 (Oct. 29, 2010).
- Pavoni, Riccardo. "Simoncioni v. Germany." *American Journal of International Law* 109, No.2 (2015): 400-406. <https://doi.org/10.5305/amerjintelaw.109.2.0400>.
- Pittrof, Sabine. "Compensation Claims for Human Rights Breaches Committed by German Armed Forces Abroad During the Second World War: Federal Court of Justice Hands Down Decision in the Distomo Case." *German Law Journal* 5, No.1 (2004): 15-21. <https://doi.org/10.1017/S2071832200012220>.
- Prefecture of Boeotien v. Federal Republic of Germany. Greek Supreme Court (Areios Pagos). Decision No. 11/2000 (May 4, 2000).
- Ren, Hu, and Jin Zhaoxin. "The Limitations and Exceptions to Immunity of States Officials from Foreign Criminal Jurisdiction: On ILC Draft Article 7." *Beijing Law Review* 12 (2021): 287-304. <https://doi.org/10.4236/blr.2021.122017>.
- Republic of Austria v. Altmann. Supreme Court of the United States, 124 S.Ct. 2240 (June 7, 2004).
- Schilling, Theodor. "One Mode of Judicial Law-Making: Disapplying Extant International Law." *Archiv Des Völkerrechts* 55, No.1 (2017): 65-97. <http://www.jstor.org/stable/44857987>.
- Shah, Sangeeta. "Jurisdictional Immunities of the State: Germany v Italy." *Human Rights Law Review* 12, No.3 (2012): 555-573. <https://doi.org/10.1093/hrlr/ngs023>.
- Terzieva, Vessela. "State Immunity and Victims' Rights to Access to Court, Reparation, and the Truth." *International Criminal Law Review* 22, No.4 (2022): 780-804. <https://doi.org/10.1163/15718123-bja10139>.
- Tracy v. The Iranian Ministry of Information and Security. Ontario Superior Court of Justice, 2016 ONSC 37759. Judgment of 2016.